

چه کسی پنیِر مرا

جابجا کرد؟

اسپینسر جانسون

با مقدمه

کنت بلانچارد

ترجمه

علیرضا میرزایی

Johnson, Spencer

جانسون، اسپنسر، ۱۹۳۸-م

چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟ / اسپنسر جانسون؛ با مقدمه کن بلانچارد، ترجمه علیرضا میرزایی، - تهران: نمیشه، ۱۳۸۵.

۶۴ ص.

ISBN 964870516-4

Who moved my cheese? An amazing way to deal with change
in your work and in your life.

این کتاب در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

۱. تحول (روانشناسی)، ۲. موفقیت -- داستان، الف. میرزایی، علیرضا، ۱۳۵۷-، مترجم.

ب. عنوان.

۱۵۵/۲۴

۲۲ ج ۲۳ / BF ۶۲۷

۸۵-۹۹۱م

الف ۱۳۸۵

کتابخانه ملی ایران



ناشر همیشه

چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟

نویسنده: اسپنسر جانسون

مقدمه: کن بلانچارد

ترجمه: علیرضا میرزایی

ناشر: همیشه

حروفچین و صفحه‌آرا: زهره افتخاری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۵، تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰ تومان

ISBN: 964-8805-16-4

شابک: ۹۶۴-۸۸۰۵-۱۶-۴

مراکز پخش: تهران - پخش کتاب **سلسله** تلفن: ۶۶۹۶۸۸۸۵

اصفهان - آمادگاه - کوی سوره - پخش کتاب **سوره** تلفن: ۲۲۳۲۲۰۸

شیراز - مرکز کتاب **فرهنگسرای شیراز** تلفن: ۶۲۶۰۹۳۳ همراه: ۰۹۱۷۳۱۰۱۰۳۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشینه داستان (نوشته کن بلانچارد)
۱۳	گردهمایی: شیکاگو
۱۵	داستان «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟»
	چهار شخصیت
	در جستجوی پنیر
	پنیری نیست!
	موشها: "اسنیف" و "اسکوری"
	آدم کوتوله‌ها: "هم" و "هاو"
	بازگشت به هزارتو
	رفتن به ماورای ترس
	از پیشرفت لذت ببرید
	با پنیر حرکت کنید
۵۰	نوشته روی دیوار
	پنیر جدید را آزمایش کن
	از تغییرات لذت ببر
۵۳	گفتگو: ساعتی بعد در همان روز



که معتقدیم دستیابی به آن خوشحالی و نشاط ما را به دنبال خواهد آورد. معمولاً اگر آن را به دست آوریم، به آن دل می‌بندیم، و اگر آن را از دست دهیم و یا دیگری آن را از ما بگیرد، واقعاً غم‌انگیز است.

«هزار توی مارپیچ» نماد مکانی است که در آن جا به جستجوی خواسته خود برآمده‌ایم و ایام عمر خویش را در آن می‌گذرانیم. این مکان می‌تواند سازمانی باشد که در آن کار می‌کنیم، جامعه‌ای باشد که در آن زندگی می‌کنیم و یا حتی روابطی است که در زندگی خود داریم.

من در سخنرانی‌هایم در سراسر دنیا، به تعریف داستان پنیر خواهم پرداخت و مطمئنم که بعد از مدتی از این و آن خواهم شنید که چه تغییر بزرگی در زندگی آنها به وجود آورده است.

می‌خواهید باور کنید یا باور نکنید اما این داستان کوتاه، تاکنون حرفه، زندگی و پیوندهای زناشویی بسیاری را نجات داده است.

نمونه‌ای از تأثیر واقعی این کتاب را می‌توان در زندگی چارلی جونز، یکی از مجریان معروف شبکه تلویزیونی ان. بی. اس ملاحظه کرد کسی که اذعان دارد، شنیدن داستان «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟» باعث نجات حرفه‌ای او شده است. البته شغل او به عنوان یک مجری تلویزیونی منحصر به فرد است ولی اصولی که او یاد گرفت می‌تواند مورد استفاده همگان قرار گیرد.

ماجرای این قرار بود: چارلی در بازیهای دو و میدانی اخیر المپیک کار مهم گزارشگری را به خوبی انجام داده بود. بنابراین وقتی رئیسش به او گفت که در جریان المپیک بعدی، از این قسمت کنار گذاشته و او باید بخش مسابقات شنا و شیرجه را انجام دهد بسیار متعجب و ناراحت شد. ناراحتی او از این بابت بود که آگاهی چندانی با این دو ورزش



نداشت. احساس کرد قدر کار او را ندانسته‌اند و خیلی عصبانی شد. می‌گفت این کار خیلی غیرعادلانه است و این عصبی بودن او بر دیگر کارهایش تأثیر منفی می‌گذاشت.

زمانی که داستان «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟» را شنید به خود خندید و رفتارش را تغییر داد. او متوجه شد که رئیسش «فقط پنیر را جابجا کرده است».

بنابراین خودش را با شرایط جدید تطبیق داد. آگاهی خود را در مورد دو ورزش جدید، افزایش داد و در این فرآیند، دریافت که با انجام کارهای جدید، احساس جوانی می‌کند.

طولی نکشید که رئیسش متوجه رفتار و انرژی جدید او شد و خیلی زود مأموریت‌های دیگری را به او محول کرد. به طوری که روبه‌روز بر موفقیت‌های او افزوده می‌شد و توانست به تالار افتخار گزارشگران فوتبال حرفه‌ای راه پیدا کند.

این فقط یکی از موارد زندگی واقعی است که درباره تأثیر این کتاب بر مردم، از فعالیت حرفه‌ای تا زندگی عاطفی آنها، شنیده‌ام.

من یکی از معتقدین به کتاب «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟» هستم و اخیراً یک نسخه از آن را به همه آنهایی که با شرکت کار می‌کردند دادم (بیشتر از ۲۰۰ نفر).

زیرا مجموعه شرکت‌های کن بلانچارد مانند هر شرکت دیگری که می‌خواهد نه تنها در آینده به بقای خود ادامه دهد بلکه می‌خواهد در گود رقابت باقی بماند و دائم در حال تغییر باشد. در گذشته ما به کارمندان صديق، وفادار و ثابت قدم نیاز داشتیم اما امروزه به کارمندان قابل انعطافی نیاز داریم که فقط به فکر حفظ آنچه که امروز انجام داده



می‌شود نباشند.

ولی در عین حال همانطور که می‌دانید زندگی پیوسته در آبهای خروشان و متلاطم، با تغییراتی که در محیط کار و زندگی با آن روبه‌رو هستیم می‌تواند پر از نگرانی و اضطراب باشد، مگر اینکه شخص بتواند به تغییرات به گونه‌ای بنگرد که برای درک آن کمک کند. این روش به اعتقاد من در داستان «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟» نهفته است.

وقتی که با دیگران درباره داستان پنیر صحبت کردم و زمانی که آنها موفق به خواندن «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد» شدند، آزاد شدن آنها را از انرژی منفی به خوبی احساس می‌کردم.

آنها یکی پس از دیگری در قسمت‌های مختلف شرکت به خاطر این کتاب از من تشکر می‌کردند و اظهار می‌کردند که برای آنها مفید بوده و در مشاهده تغییرات شرکت از زوایای مختلف به آنها کمک کرده است. باور کنید که خواندن این داستان کوتاه وقت زیادی را از شما طلب نمی‌کند اما اثرات آن می‌تواند عمیق و بنیادی باشد.

این کتاب شامل سه بخش است: بخش نخست گردهمایی و صحبت هم‌کلاسی‌های سابق را در دیداری تازه که پس از سالها در کلاسی جمع می‌شوند و درباره تلاش خود جهت کنار آمدن با تغییراتی که در زندگی آنها اتفاق افتاده صحبت می‌کنند.

در بخش دوم، داستان «چه کسی پنیر مرا جابجا کرد؟» را می‌خوانید که هسته اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد.

بعضی از خوانندگان این کتاب، بعد از مطالعه بخش اول و دوم، ترجیح می‌دهند از پایان بخش دوم جلوتر نروند تا بتوانند مفهوم آن را خودشان برای خودشان تفسیر کنند.



برخی دیگر از خواندن بخش سوم که به دنبال داستان اصلی می‌آید لذت می‌برند زیرا بر شیوه اعمال آنچه که یاد گرفته بودند در وضعیت خودشان ایده‌هایی به آنها می‌دهد.

در هر حال امیدوارم، هر بار که مجدداً کتاب «چه کسی پنیر مرا را جابجا کرد؟» را می‌خوانید مانند من نکات تازه و مفیدی در آن بیابید و امیدوارم که این کتاب در کنار آمدن با تغییرات به شما کمک کرده و برایتان کامیابی و موفقیت به همراه داشته باشد.

امیدوارم از آنچه در این داستان کشف می‌کنید لذت ببرید و برای شما آرزوی بهروزی و شادکامی دارم، به خاطر بسپارید که می‌بایستی همواره به دنبال پنیر و همراه با آن حرکت کنید.

کنت بلانچارد
سان دیاگو - کالیفرنیا
۱۹۹۸